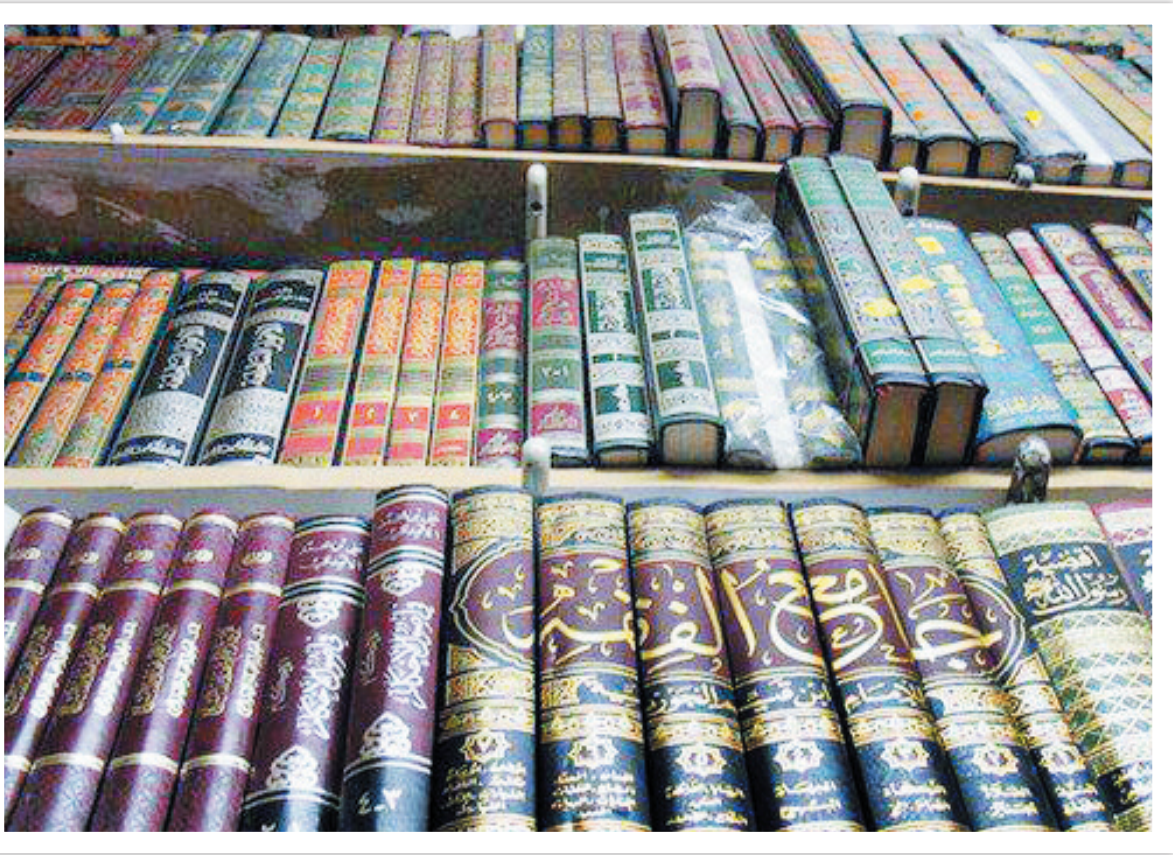


جریان‌شناسی فقه شیعه در گذر زمان

از فقه ماثور تا فقه جواهری



حجت‌الاسلام محمد مهدی زمانی

یکی از موضوعات مهم در شناخت اسلام و تشیع توجه به تاریخ تکامل فقه شیعه است. انسجام کنونی نظام فقهات در تشیع طی گذشت دوره‌هایی بود که به مراحل رسیده و تکامل یافته است که در هر یک رویکرد خاصی به فقه در جریان بوده است. علم به مراحل تکامل و پیشرفت هر دانشی از جمله دانش فقه به ما کمک می‌کند تا بدانیم هم‌اکنون در چه نقطه‌ای ایستاده‌ایم و برای رسیدن به این نقطه چه مراحل طی شده و اگر در پی تجدید و بازآفرینی روش‌ها یا روش‌های جدید از تجربیات پیشین اندوخته بگیریم. فقه شیعه نیز از این قاعده مستثنا نیست و با توجه به اینکه اصل اجتهاد در فقه شیعه امری مطلوب و بلکه ضروری است در دوره‌های مختلف می‌توانیم شاهد نوسان‌های متفاوتی به مسئله فقه باشیم که البته رویکرد فقهی هر دوره را با توجه به زمینه‌های تاریخی و بستر اجتماعی آن دوره باید تفسیر کرد.

آغاز فقهات

برخی از محققان علوم انسانی اعتقاد دارند آغاز تاریخ فقه را باید به دوران نزول وحی و سپس تشریع آن نسبت داد چرا که با نزول وحی و کلام معصومین در واقع اصول و مبانی فقه شیعه مدرن گردید و منابع پایه‌ای آن بنیان نهاده شد. البته گروهی معتقدند اگر فقه را به معنی اجتهاد اشخاص و تفاسیر دیگر «شناخت احکام شرعی از آن و به تعبیری دیگر «شناخت احکام شرعی برعکس از طریق دلایل تفصیلی» تلقی کنیم نمی‌توان پیامبر(ص) و اهل بیت را به این معنی فقیه دانست چرا که فقه در این معنا مستلزم انقطاع فقیه از منبع فقهی و اجتهاد عقلانی از منابع موجود می‌باشد و در آن طبیعتاً اختلاف و حتی اشتباه وجود دارد؛ در حالی که سخنان پیامبر و اهل بیت انقطاع از حقیقت و حیاتی نداشته و وقت طلاست یا خطایی در آنها به واسطه عممت ایشان به چشم نمی‌خورد. بنا بر این دلایل این دسته اعتقاد دارند دوران تشریع و دوران ائمه معصومین را نمی‌توان به عنوان ادوار تکامل علم فقه به حساب آورد چرا که این شخصیت‌ها در حقیقت تأمین‌کننده منابع اولیه فقه به شمار می‌آیند. لذا فقهی که خصوصاً در دوران امام باقر و امام صادق (ع) و ائمه پس از ایشان گردآوری شد در واقع آن فقه استدلالی اجتهادمحور نبوده است بلکه نوعی فقه ماثور یا روایی به حساب می‌آید.

در واقع می‌توان گفت جریان فقهی شیعه پس از تشریع وحی، دو مقطع عمده را پشت سر گذاشته است. دوره نخست مربوط به دوره تفسیر متون دینی (فقه ماثور) است و دوره دوم دوران استنباط و استدلال (فقه اجتهاد) است.

مراد یادداشت حاضر بیشتر پرداختن به مراحل تکوین قسم دوم از جریان فقهات است که پس از قرن سوم هجری آغاز به بالندگی کرد.

ادوار جریان فقه استدلالی

به اعتقاد برخی صاحب‌نظران دست کم می‌توان شش دوره تاریخی برای تکامل دست‌ساز فقه استدلالی برشمرد. این دسته‌بندی البته با توجه به معیارهایی از جمله شیوه استدلالی، گستردن موضوعات مورد اشاره، استقلال در شیوه استدلال، عمیق یا سطحی بودن اجتهاد، میزان اعمال نگرش اعتدالی در ارائه نظریات و... صورت پذیرفته است.

مرحله نخست مربوط به تأسیس و پایه‌گذاری این مدل فقهی است. آغاز این دوران مربوط به تلاش‌های علی بن محمد قمی (شیخ صدوق) در قرن چهارم و نگارش و جمع‌آوری آثاری گرانقدر چون «من لایحضره الفقیه» توسط ایشان و نیز کتاب شریف کافی اثر مرحوم شیخ کلینی است. این دو کتاب گران‌قدر منابع اصلی فقهات در شیعه را گرد آورده و از آنجا که فقه شیعه جریانی

است مبتنی بر «متون»، لذا نخستین منابع شناختی در فقه توسط این کتب فراهم شد. اجتهاد در تفکر شیعه بر اساس تأمل و تعمق در ادله مستخرج از متون دین و تشخیص مضادیق از این منابع است. پراکندگی این منابع در دوره حیات ائمه اطهار نیازمند تلاش و عزم جدی به منظور گردآوری مجموعه‌ای از این روایات بود که کافی و من لایحضره الفقیه تلاش‌های گرانمایی در این حوزه به شمار می‌روند. بر پایه همین کتب «فقه ماثور» بود که رفته رفته فقه استدلالی و آثار در این زمینه زیاد شد تا جایی که در قرن پنجم هجری، علم فقه تقریباً به یک ساختار منسجم و منظم در حوزه شرعی رسید و توانست خود را به مرتبه فرارویات و استنباط بویا برساند.

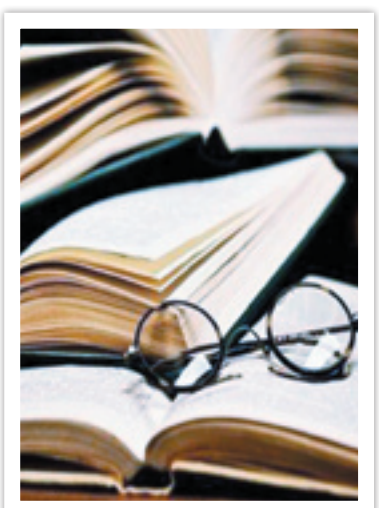
در اولین دوره فقهات، به منظور تقنین اهمیت اساسی به خردورزی داده نمی‌شود بلکه استنباط روایی اصالت دارد. شیخ مفید و سید مرتضی از دیگر شخصیت‌های مهم در تاریخ این دوره از تکامل فقهی به حساب می‌آیند که رویکردشان رفته رفته به سمت تفقه اجتهادی و شیوه استدلال عقلانی معطوف می‌گردد.

دوران شکوفایی و انسجام فقه

در دسته‌بندی مدنظر حداقل‌دوران حیات شیخ طوسی در قرن پنجم و محقق حلی در قرن هفتم دوره‌ای است که در آن جریان فقهات به انسجام و نظم دست می‌یابد. جناب شیخ طوسی پس از تلاش‌هایی که شیخ مفید و سید مرتضی برای تبیین حدود و ثغور علم فقه و جداسازی مفهومی آن از دانش‌های دیگر همچون اصول انجام دادند، دست به قانونمند کردن فرآیند استنباط زد. بدین منظور وی به وضع چارچوب‌هایی برای سنجش قانونمند روات احادیث در علم رجال همت گمارد. جناب شیخ طوسی در کتاب «التهذیب»، به بحث در استدلال نظریات فقهی شیخ مفید پرداخته و در کتاب «الاستبصار» پیرامون اخبار متعارض واصله از سوی متون روایی را مورد بحث قرار می‌دهد. تقسیم‌بندی ابواب و موضوعات فقهی که شیخ طوسی عمدتاً با نیام‌نگاهی به فقه رایج اهل سنت این دسته‌بندی را صورت داد، از خلاقیت‌های ماندگار شیخ طوسی است



برخی محققان علوم انسانی اعتقاد دارند باید آغاز تاریخ فقه را به دوره نزول وحی و سپس تشریع آن نسبت داد چرا که با نزول وحی و کلام معصومین در واقع اصول و مبانی فقه شیعه مدرن گردید و منابع پایه‌ای آن بنیان نهاده شد.



سیاست‌های ابلاغی رهبری را چه کسی اجرا می‌کند؟

در بسیاری از مسائل مهم اعمال حاکمیت نمی‌شود؛ در حاکمیتی که هزینه زیادی برایش داده شده و راهبردهای بسیار خوبی در سیاست‌های مختلف در آن بیان شده، کسی به کسی پاسخگو نیست؛ سیاست‌های مختلفی از سوی رهبری ابلاغ می‌شود اما معلوم نیست که کی به کیست! این مشکل بزرگ ماست! در واقع ما داریم دائماً اعلام حکومت می‌کنیم. اما اعمال حکومت نمی‌کنیم. این سیاست‌ها را باید چه کسی اجرا کند؟

حوزه علمیه، صداها در س خارج فقه به انقلاب و امت بدهکار است، اما حتی یک درس قوی ندارد! دانشگاه از حوزه هم مسئولیت بیشتری دارد؛ این همه دکتر و کارهایی را که می‌خواستید برای ما انجام دهید خودمان انجام می‌دهیم.

با این روندی که در پیش گرفته‌ایم، به انقلاب بانکی ربوی است و مرجع دیگر بگوید این بد است که بعد از ۴۰ سال مرجع بگوید نظام بانکی ربوی است و مرجع دیگر بگوید ربوی نیست. سر قضیه سکه و ارز شاید اگر هیچ فرد دانشگاهی هم نبود، وضعیت همین می‌شد که الان هست و حتی گاهی شاید بهتر هم می‌شد؛ در واقع نظام دانشگاهی ما پاسخگوی هیچ مشکل کنونی ما نیست.

همان‌طور که در آثار محقق اردبیلی نیز قابل مشاهده است این طیف از فقها استخراج اصول و مبانی دینی با رویکرد قرآن محوری را پایه‌گذاری کردند که البته خیرات و برکات زیادی برای این پژوهی شیعه داشت. همان‌گونه که اشاره شد تأکید بسیار و گاه افراطی و کنار گذاشتن ضعیف شمردن احادیث و روایات مورد اجماع پیشینیان، واکنش متقابل فقهای اخباری را برانگیخت و آثار زیادی در گردآوری روایات و احادیث غزل ایشان در این دوران قابل مشاهده است. حتی در این مقطع رویکردی میان جریان اخباری حاکم شد که بر تفقه بودن و پذیرش مسلم روایات جمع‌آوری شده در کتب اربعه شیعه (کافی، من لایحضره الفقیه، التهذیب و الاستبصار) - همچون حننه اهل سنت- تأکید می‌کرد.

از میانه‌روی تا بالندگی

دوره پنجم اجتهاد شیعه را می‌توان از اواسط قرن دوازدهم هجری تا میانه قرن سیزدهم و رواج مکتب شیخ انصاری به حساب آورد. در این دوره رفته رفته طی چند نسل، فقهای اخباری و اصولی از تندروی در عقاید خود به همگرایی و تقرب افکار رسیدند. شاید نقطه شروع این تقرب را بتوان به حضور همزمان دو فقیه اصولی و اخباری همزمان در مرکز حوزه علمیه کر بلا (محدث بحرانی و وحید بهبهانی) برمی‌گرداند که زمینه‌ساز مناظرات و گفت‌وگوهای درون مذهبی و فقهی شد. خصوصاً تلاش‌های وحید بهبهانی و کاهش افراط و تعصب در گرایش یک پل طرز تفکر، جریانی را پدید آورد که به حد اعتدال میان تفکر عقلانی و اخباری نزدیک بود. این همگرایی و میانه‌روی در میان شاگردان وی از جمله سیدمهدی بحرالعلوم، جعفر کاشف الغطا و محقق قمی به اوج رسید.

واپسین و ششمین دوره‌ای را که می‌توان برای جریان فقهاتی برشمرد که تا امروز نیز ادامه داشته است، از نیمه دوم قرن سیزدهم هجری و ابتدای نقش‌آفرینی شیخ انصاری در حوزه فقهی برشمرد. شیخ انصاری که می‌توان وی را متعهد بزرگ عصر خود و برترین شاگرد مرحوم صاحب جواهر دانست، فضای فکری مهیا کرد که تا هم‌اکنون حوزه‌های علمیه در آن تنفس می‌کنند.

کتاب‌هایی از جمله مکاسب که روش فقهی و اصولی شیخ را مشخص می‌سازند، علاوه بر بررسی مسائل قدیمی، موضوعات مستحدثه و حتی مسائل احتمالی که در آینده امکان رخداد دارد را مورد بررسی قرار می‌دهد که پیش از وی چنین رویکردی عمومیت نداشت. طبیعتاً زمان‌شناسی و روش پژوهش محور شیخ سبب گرایش بزرگانی از جمله میرزای شیرازی، محقق ثنائینی، آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و شهید صدر به این روش شد که تا امروز نیز بخش مهمی از جریان فقهی حاکم بر فضای انقلاب را دربر دارد.



خانواده، محل توزیع عشق است و قرآن از دادن فرزند به انسان نیز به عنوان موهبت یاد می‌کند اما موضوع خانواده و جمعیت اصلاً رصد نشده است. نگاهی که در دین به فرزندآوری و سختی کشیدن برای بزرگ کردن فرزند وجود دارد، در هیچ جای دیگر نیست. کسی که فرزند ندارد، از لحاظ کمالات ناقص از این عالم می‌رود



گزارشی از همایش تخصصی «جنگ جهانی جمعیت»

مهدکودک‌هایمان با این روند خانه سالمندان می‌شود!

همایش تخصصی «جنگ جهانی جمعیت» هفته گذشته در تالار سوره حوزه هنری با حضور جمعی از فرهیختگان، نویسندگان و پژوهشگران حوزه اجتماعی برگزار شد. آنچه در ادامه می‌خوانید، گزارشی گزیده از مباحث بیان شده توسط استاد رحیم‌پور از غدی در این همایش است.

مشکل بزرگ جمهوری اسلامی است. دو روز گذشته دیدم در ایتالیا اعلام شد! اگر کسی بچه سوم بیاورد، به او بهترین زمین‌ها را می‌دهیم. یا در لهستان شعارشان این است که مثل خر گوش بچه بیاوریم. در کشورهایی مثل دانمارک، بلژیک و... و نیز این‌گونه تلاش‌ها را می‌بینیم.

جالب اینجاست کاری که ما در طول حدود ۲۰ سال درباره کاهش جمعیتان انجام دادیم، اروپا پدر ۲۰۰ سال انجام داد. در غرب ۱۴۰ سال طول کشید تا آمار طلاق به این حد رسید. صدا و سیما، حوزه علمیه و... در این مسائل دچار مشکل‌اند. در دروس خارج فقه به مسائل اساسی پرداخته نمی‌شود. در نتیجه از غرب برای ما سیاست جمعیتی می‌نویسند. ۳۰۰ هزار شهید می‌دهیم و مسئولیت بیشتری دارد؛ این همه دکتر و کارهایی را که می‌خواستید برای ما انجام دهید خودمان انجام می‌دهیم.

با این روندی که در پیش گرفته‌ایم، به انقلاب بانکی ربوی است و مرجع دیگر بگوید این بد است که بعد از ۴۰ سال مرجع بگوید نظام بانکی ربوی است و مرجع دیگر بگوید ربوی نیست. سر قضیه سکه و ارز شاید اگر هیچ فرد دانشگاهی هم نبود، وضعیت همین می‌شد که الان هست و حتی گاهی شاید بهتر هم می‌شد؛ در واقع نظام دانشگاهی ما پاسخگوی هیچ مشکل کنونی ما نیست. عیناً کنوانسیون حقوق کودک را از غرب می‌گیریم و ترجمه می‌کنیم؛ حال آنکه آنها اصلاً اختیازاده‌اند و بیسن ۳۰ تا ۷۰ درصدشان تا آخر عمر نمی‌دانند پدرشان چه کسی است. قوانین آنها به درد ما نمی‌خورد و نمی‌تواند مشکلات ما را حل کند. در غرب زمانی می‌گفتند بچه نیاورید. اگر هم آوردید، بدهید به دست دولت اما امروز می‌گویند مثل خر گوش بچه بیاورید. نگاه غیردینی به فرزند این است که ببینیم از چه کاری خوشمان می‌آید، همان کار را بکنیم. اما در نگاه دینی چنین چیزی موجه نیست.

نکته اینجاست که دشمنان ما برای تمام عرصه‌ها در حال طرح‌دادن هستند و توجه شیعه سلمی نیز بصرای آن می‌دهند. دانشگاه‌های ما باید اعتراف کنند که عقب مانده‌اند و اصلاً در مشکلات اجتماعی پاسخگو نیستند. همین ابلاغ اخیر رهبری که در باره پیشرفت در ۵۰ سال آینده دادند، ادامه همان سند چشم‌انداز ۲۰ ساله بود. نهاد‌های ما باید نسبت خودشان را با این اسناد تعریف کنند که در بازه‌های زمانی مختلف کجا خواهند بود. در غیر این صورت اسناد تعریف نیست. درست است که باید کار کنیم برای کسب روزی، در این شکی نیست اما به مسئله تولید انسان نباید مثل تولید کالا نگاه کرد. این مسائل و تفهیم آن در عرصه عمومی نیاز به نظر به پرزای و سپس هژمونی رسانه‌ای دارد اما متأسفانه به چنین چیزهایی اهمیت نمی‌دهیم.

